

تجلی معنی در فکر و سخن

نوشته

غلامحسین ابراهیمی دینانی

نشر نور اشراق

۱۴۰۲

سرشناسه	ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ۱۳۱۴- EbrahimiDinani, Gholam-Hossein
عنوان و نام پدیدآور	تجلی معنی در فکر و سخن نوشته غلامحسین ابراهیمی دینانی.
مشخصات نشر	تهران: نور اشراق، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۴۴۴ص،
شابک	978-622-92763-8-9
وضعیت فهرست نویسی	فیا
پادداشت	کتابنامه: ص ۴۱۹-۴۲۰.
پادداشت	نمابه.
موضوع	معنی (فلسفه) Meaning (Philosophy) معنی‌شناسی Semantics
رده بندی کنگره	B۱۰۵
رده بندی دیویی	۱۲۱/۶۸
شماره کتابشناسی ملی	۹۲۷۰۲۴۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیا

نور اشراق

تجلی معنی در فکر و سخن نویسته غلامحسین ابراهیمی دینانی

ناشر: نور اشراق

چاپخانه: چاپ بصیرت

چاپ اول، ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

«حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است»

تلفن: ۰۲۱-۷۷۵۲۶۶۰۰

همراه: ۰۹۰۱-۱۸۰۵۵۲۸

صفحه اینستاگرام: noore_eshraq.pub

نشانی الکترونیکی: nooreeshraq.pub@gmail.com

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۷۶۳-۸-۹

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۵	بخش اول
۳۵	بخش دوم
۵۵	بخش سوم
۷۷	بخش چهارم
۹۷	بخش پنجم
۱۱۷	بخش ششم
۱۳۷	بخش هفتم
۱۵۷	بخش هشتم
۱۷۷	بخش نهم
۱۹۷	بخش دهم
۲۱۷	بخش یازدهم
۲۳۷	بخش دوازدهم
۲۵۷	بخش سیزدهم
۲۷۷	بخش چهاردهم
۲۹۷	بخش پانزدهم
۳۱۷	بخش شانزدهم

مقدمه

انسان تنها موجودی است در این جهان که از توانایی سخن گفتن برخوردار است. این مسئله نیز مسلم است که سخن ظهور اندیشه است و آنجا که اندیشه نباشد سخن نیز معنی ندارد. بنابراین اندیشیدن و سخن گفتن با یکدیگر متلازم هستند و همیشه با یکدیگر همراه اند. در اینجا ممکن است گفته شود: سخن گفتن فقط در جایی مناسب و لازم است که مخاطب داشته باشد و گوش‌های آن را بشنود در حالی که اندیشیدن مستلزم داشتن مخاطب نیست و انسان در خلوت و تنهایی خود نیز می‌اندیشد و به مخاطب و شنونده نیازمند نیست. بلکه انسان در تنهایی و خلوت بهتر می‌تواند اندیشه‌های خود را تنظیم کند و آنها را سامان بخشد. تمرکز انسان در تنهایی بیشتر است و آسانتر می‌اندیشد در پاسخ به این سخن می‌توان گفت: درست است که انسان در خلوت و تنهایی خود نیز می‌اندیشد ولی او با الفاظ و کلمات می‌اندیشد و با الفاظ و کلمات اندیشیدن نوعی سخن گفتن است.

اندیشیدن با الفاظ و کلمات در خلوت و تنهایی گونه‌ای از سخن گفتن است که شنونده آن سخن جز همان کسی که سخن می‌گوید شخص دیگری نیست. به عبارت دیگر انسان بیش از آن‌که به سخن‌های اشخاص دیگر گوش دهد سخن‌های خود را می‌شنود و شنونده خویش می‌باشد. انسان همواره می‌اندیشد و چون در قالب الفاظ و کلمات اندیشیدن نوعی از سخن گفتن است پیوسته می‌گوید و همواره می‌شنود. انسان با گفتن و شنیدن،

انسان است و به همین جهت است که حکمای مسلمان در تعریف منطقی انسان تحت عنوان حیوان ناطق سخن گفته‌اند. چون گفتن درست، بدون اندیشیدن معقول، امکان پذیر نیست و تنها موجودی که در این جهان عاقل است و بر اساس عقل سخن می‌گوید انسان است.

بنابراین کلمه ناطق در تعریف انسان به معنی عاقل بودن است. زیرا سخن گفتن درست و موزون، بدون عقل امکان پذیر نیست. البته انسان فقط هنگامی از توانایی سخن گفتن برخوردار می‌شود که از گوش سالم برای شنیدن بی‌نسیب نباشد. ناطق بودن که فصل مقوم و ذاتی انسان است از توانایی شنیدن ناشی می‌شود. بنابراین توانایی شنیدن از توانایی سخن گفتن برتر و بالاتر است. زیرا مادام که شنیدن تحقیق پذیرد گفتن میسر نمی‌گردد.

خداوند تبارک و تعالی نیز در قرآن کریم خود را سمیع و بصیر خوانده و شنیدن را بر دیدن مقدم دانسته است. مولوی بلخی نیز کتاب مشوی خود را با کلمه بشنو آغاز کرده است و شنیدن را بر دیدن و حواس دیگر مقدم دانسته است. البته دروازه ورود و خروج آگاهی در انسان شنیدن و گفتن است اما گفتن و شنیدن بدون این که متعلق داشته باشد و درباره چیزی صورت پذیرد مهمل و بدون محتوا خواهد بود. متعلق و محتوای گفتن و شنیدن همان چیزی است که معنی خواننده می‌شود. بنابراین گفتن و شنیدن از ویژگی‌های انسان است و ناطق بودن که فصل مقوم انسان به شمار می‌آید به چیز دیگری وابسته‌اند که آن جز معنی چیز دیگری نیست.

معنی فراگیر است و هیچ نقطه‌ای در عالم هستی از ملک تا ملکوت خالی از معنی نیست. همه چیز معنی دارد ولی تنها موجودی که در این جهان معنی را می‌داند و از معنی سخن می‌گوید انسان است. بنابراین انسان به حسب به ذات خود یک موجود معنوی می‌باشد. دایره معنی چنان وسیع و گسترده است که حتی عدم و نیستی را نیز شامل می‌گردد و عدم معنی دارد. عدم، نقیض وجود است و نقیض وجود را می‌توان معنی عدم به شمار آورد. معنی همه جا حضور دارد ولی انسان همواره با اشیا معنی دار روبرو می‌شود.